

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ می ۲۰۲۲

## "داعش" بازوی اجرائی حاکمیت ها!؟

شنبه - ۱۰ ثور ۱۴۰۱ - کابل: این که مردم از روی عصبانیت می گفتند و می گویند که کار ما افغانها سرچپه است، کم مانده است به باور کلی من هم تبدیل شود. یکی از این موارد که می تواند باعث تقویت چنین حکمی گردد، اعمال به اصطلاح داعش در افغانستان می باشد.

یعنی هرگاه بپذیریم که واقعاً نهاد تروریستی و جنایتکاری به نام "داعش" در افغانستان وجود دارد و این نهاد نه تنها با حاکمیت در کل چه حاکمیت پوشالی ساقط شده "غنی احمدزی" و چه هم حاکمیت دار و تازیانه نظام "ملاسالر" یکی نیست بلکه با آنها دشمنی خونین و آشتی ناپذیر هم دارد، می بایست در چنین صورتی فعالیت های به اصطلاح "مبارزاتی" اش در تخصص با حاکمیت قرار می داشت، نه این که فقط به قلع و قمع مخالفان و دشمنان حاکمیت می پرداخت.

هرگاه بخواهیم در زمینه مثالی ارائه نمایم، خیلی زود کشتار دهمزنگ در دوران حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" و کشتار های کنونی علیه شیعیان و صوفیان جلو چشم ما تبارز می نمایند.

واضحتر باید نوشت: در شرایطی که اختلافات حاکمیت پوشالی دوسره با به اصطلاح "جنش روشنائی" که بخش اعظم مردمان هزاره پایتخت نشین را با خود داشت، روز تا روز اوج تازه می یافت و تعدادی از جوانان هزاره با استفاده از جو موجود همان زمان می خواستند با عبور از رهبری سنتی سازشکار هزاره با به راه انداختن تظاهرات چند صد هزار نفری هزاره ها، هر دو جناح حاکمیت پوشالی و رهبران سازشکار هزاره را در گوشه رینگ گیر آورد، به یک باره می بینیم که در روز سه شنبه دوم اسد ۱۳۹۵، از طریق انفجار سه بمب جای سازی شده بین مظاهره چیان، نه تنها در همان زمان بیش از ۱۰۰ تن از جوانان شرکت کننده در تظاهرات را از بین برد و ۱۰۰ ها تن دیگر را زخمی نمود بلکه در پیامدش، مجموع جنیش را زیر ضرب حاکمیت پوشالی و دوسیه سازی های حقوقی برده، باعث گردید تا نسل دوم رهبران نیز به سازش با حاکمیت پوشالی تن دهند.

سوالی که همزمان نزد همه مطرح شد، این بود که "داعش" به مثابه نهادی که مسؤلیت آن جنایت عظیم را بر دوش گرفت، در صورتی که ادعای مبارزه علیه حاکمیت پوشالی را می نمود، چرا دست به کشتار مخالفان آن حاکمیت زد و کسانی را از بین برد که آنها نیز خواستار مبارزه علیه حاکمیت بودند؟ چرا به جای کشتار مخالفان حاکمیت، بر خود حاکمیت و یا لا اقل بر دوستان و طرفدارانش حمله نمودند؟

عین مسأله امروز باز هم در حال تکرار شدن است. یعنی در حالی که همه کس می داند که طالب دشمنی ایدئولوژیک با مذهب تشیع دارد و هم چنان از همان زوایه دشمن تصوف و اسلام نوع خانقاهی تسنن و فقه حنفی نیز می باشد و هر دوی آنها را بر مبنای دید خودش نه تنها خارج از حوزه دید فقه حنفی می داند بلکه خارج از حوزه دیانت اسلام دانسته، ریختن خون معتقدان آن را گذشته از میاح دارای اجر عظیم نیز می شمارد و آن دو هم یعنی چه شیعه ها و چه هم حنفی مذهب خانقاهی، چشم دیدن طالب را نداشته، در صورت امکان از خون طالب آسیا را به گردش در خواهند آورد، "داعش" گویا دشمن طالب، می آید و به جای ضربت زدن به طالب، دشمنان بالفعل و بالقوه طالب را از بین می برد، آیا چنین امری باز هم سؤال بر انگیز نیست؟

هموطنان گرامی!

هرگاه واقعاً نهادی به نام داعش در افغانستان وجود دارد و همین نهاد مسؤول تمام این کشتار ها می باشد، چرا به جای آن که دشمن دشمنش را دوست خود بداند، دشمن دشمنش را از بین می برد؟ چرا آنها تلاش می ورزند با کشتن دشمن دشمن، در عمل دشمن خودشان را تقویت و خود را منفرد و قابل انزجار معرفی نمایند؟ آیا می خواهند مصداق سرچپه بودن کار ما افغانها باشند؟

هموطنان گرامی!

همان طوری که در طی سالیان پار همیشه از به اصطلاح "داعش" به اسم "مهمانان جناب رئیس" نام برده ام و آنها را اعضای ریاست امنیت ضد ملی معرفی نموده ام، اینک باز بر همان حرف خود استوار ایستاده تأکید می نمایم که تمام آنهایی که دست به جنایات خونینی علیه مخالفان طالب و یا حاکمیت پوشالی گذشته می زنند و یا زده اند، عوامل و افرادی اند که به نام داعش تحت رهبری مستقیم ریاست امنیت ضد ملی قرار داشته و دارند. اینها هم در گذشته و هم اینک بازوی اجرایی حاکمیت ها بوده و می باشند. این حاکمیت بوده و است که نه تنها بمب را به دست آنها می دهد و آنها را تا محل انتحار همراهی می نماید، بلکه هدفی را که می باید کشته شود نیز مشخص نموده، به انتحاری نشان می دهند و بقیه کار را بر دوش خود فرد می گذارند. هرگاه چنین نمی بود و نباشد، حتماً یک تجمع طالب نیز مورد تهاجم انتحاری ها قرار می گرفت. بر همین مبنا به جرأت می توان نوشت که در پی تمام انفجارات و انتحارهایی که دیروز صورت می گرفت و یا امروز صورت می گیرد، خود حاکمیت قرار دارد. حاکمیت ها با این شیوه خواسته و می خواهند هم دشمنان و مخالفان شان را نابود نمایند، هم رد پای خودشان را از بین ببرند.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**